

تحولات قدرت جهانی، هند و رویکرد آن به غرب آسیا

آناهیتا معتمدراد*

چکیده

۲۰۵

همزمان با تغییر روابط قدرت در سطح جهان، می‌توان ظهور یک معماری منطقه‌ای جدید در غرب آسیا را نیز مشاهده کرد. عزم هند برای تبدیل شدن به یک قدرت پیشرو در سطح جهانی سبب شده تا با اتخاذ دیپلماسی فعال و استراتژی مبتنی بر تعامل کل‌نگر و همه‌جانبه و تعامل با قدرتهایی همچون ایالات متحده در سطح جهانی و خاورمیانه به ویژه غرب آسیا در سطح منطقه‌ای، از یکسو به تقویت روابط اقتصادی و از سوی دیگر به نهادینه کردن همکاری‌های امنیتی به ویژه امنیت انرژی در طولانی مدت با کشورهای عربی خلیج فارس، ایران و اسرائیل بر اساس "سیاست نگرش به غرب" پس از انتخاب نارندرا مودی برای دور دوم نخست‌وزیری نماید. چارچوب نظری اتخاذ شده در تبیین رابطه و رویکرد هند نسبت به غرب آسیا بر اساس نظریه نئو رئالیسم که معتقد بر اهمیت ساختار نظام بین‌الملل و نقش آن به عنوان پیش‌تعیین کننده رفتار کشورهاست قرار دارد. این مقاله با بهره‌مندی از روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع اولیه و ثانویه این پرسش را مطرح می‌کند که "پیامدهای پیروزی مودی در تعامل هند با غرب آسیا به ویژه ایران چگونه خواهد بود؟" در پاسخ به این پرسش این مقاله بر این فرض است که رویکرد هند در قبال غرب آسیا مشخصاً تحت تأثیر سیاستهای خاورمیانه‌ای ایالات متحده قرار دارد و همین امر تعامل هند با ایران را با دشواری مواجه خواهد نمود. یافته‌های مقاله نیز مبین تأیید فرضیه مطروحه است.

واژگان کلیدی: سیاست نگرش به غرب، استراتژی کل‌نگر، استراتژی خودمختاری، سیاست خارجی هند، غرب آسیا.



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نهم، شماره

پیاپی سی و پنجم،

زمستان ۱۳۹۸

ویژه‌نامه تحولات

منطقه‌ای و

بین‌المللی

۱. استادیار روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی خرم‌آباد

* motazedanahita@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، پیاپی ۳۵، «ویژه‌نامه»، صص ۲۲۲-۲۰۵

مقدمه

غرب آسیا، به عنوان یک منطقه مهم استراتژیک، همواره تحت تأثیر تغییرات و تحولات در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، قرار داشته است. در عین حال، تحولات درون منطقه سبب شده تا این منطقه از پویایی گسترده‌تری در روابط و سیاست‌های بین‌المللی برخوردار باشد. همزمان با تغییر روابط قدرت در سطح جهان، می‌توان ظهور یک معماری منطقه‌ای جدید در غرب آسیا را نیز مشاهده کرد. از ویژگی‌های گسترده این معماری می‌توان به تقاضای یک "قرارداد اجتماعی" جدید بین رژیم‌های استبدادی و مردم سرکوب شده که در قالب قیام‌های مردمی در سراسر جهان عرب تجلی یافت، گفتمان درباره اسلام و دمکراسی، پدیده ویرانگر گروه‌های تروریست افراطی از جمله داعش، جنگ داخلی در سوریه، رقابت استراتژیک بین عربستان سعودی و ایران برای رهبری منطقه‌ای، مسئله توافق هسته‌ای و خروج آمریکا از برجام، جهت جدیدی که مسئله حل نشده فلسطین در پیش گرفته و پیامدهای آن برای منطقه و حتی خود اسرائیل، کاهش درآمد نفت، تغییر الگوی دخالت قدرتهای خارجی اشاره نمود. نظم منطقه‌ای در حال ظهور در غرب آسیا چالش‌ها و ملاحظات فراوانی را برای کشورهای فرمانطقه‌ای از جمله هند در روابط با این منطقه ایجاد می‌کند.

هند به عنوان یک دموکراسی بزرگ غیرغربی، با جامعه چندملیتی و به لحاظ اقتصادی قدرتمند، در تقابلهای بزرگ سالهای آتی نقش کلیدی ایفا خواهد کرد. هند به عنوان یک کشور مطرح در توازن قدرت جهانی ظاهر شده است که می‌تواند نقشی تعیین کننده در شکل دادن به مهمترین موضوعات قرن ۲۱، ایجاد ثبات آسیا، نوسازی سیاسی خاورمیانه و مدیریت جهانی‌سازی، ایفا نماید به ویژه آنکه ایالات متحده، هند را به عنوان وزنه‌ای در برابر چین می‌بیند. لذا درحالیکه هند در تلاش ایالات متحده برای حفظ برتری بین‌المللی اش مهم است، ایالات متحده نیز در دستیابی هند به هدف بلندپروازانه‌اش برای کسب جایگاه به عنوان یک قدرت بزرگ و مطرح جهانی اهمیت دارد. دیدگاه هند در جهت ایجاد یک هند قدرتمند و ثروتمند در آسیا، سبب گردیده تا این کشور سیاست خارجی خود را نسبت به غرب آسیا به صورتهای مختلفی به اجرا گذارد. سیاست خارجی هند نسبت به جهان طی یک و نیم دهه گذشته دچار تغییرات

بنیادی شده است و دهلی نو سعی نموده تا سیاست خارجی خود را متناسب با نیازها و شرایط در حال تحول سیاست جهانی تغییر دهد. این تغییر نگاه و اولویت امر اقتصادی در سیاست خارجی باعث نزدیکی هند به قدرت‌های بزرگ و حتی رقبای منطقه‌ای آن از جمله پاکستان و چین شده است. تغییر دیگری که در سیاست خارجی هند اتفاق افتاده دوری گزیدن از ایده رهبری جهان سوم و رسیدن به این درک که ظرفیت ظاهر شدن به عنوان یک قدرت بزرگ در نظام بین‌الملل را دارد است. اندیشه ضد غربی نشأت گرفته از جنبش عدم تعهد در سیاست خارجی هند به حاشیه رفته و این کشور را به عنوان بزرگترین دموکراسی غیر غربی جهان که بیشترین تعهد را به ارزش‌های غربی خارج از جهان یورو-آتلانتیک دارد به سوی سیاست‌های مبتنی بر عمل‌گرایی بیشتر رهنمون شده است.

۲۰۷

پژوهش‌های بین‌الملل
روابط بین‌الملل

تحولات قدرت
جهانی، هند و
رویکرد آن به غرب
آسیا

ارتقاء قدرت و موقعیت هند را باید نتیجه دیپلماسی فعال این کشور دانست که سبب شده است به طور جدی مجدداً بر خاورمیانه (غرب آسیا) تمرکز نماید. باید اذعان داشت که "ردپای" هند در منطقه "نسبتاً مستقل از محاسبات استراتژیک" آن بوده است، سیاست‌گذاران هندی بر لزوم تدوین یک استراتژی مبتنی بر تعامل کل‌نگرو همه جانبه و اتخاذ "استراتژی خودمختاری" تأکید دارند، به نحوی که از یکسویه تقویت روابط اقتصادی و از سوی دیگر به نهادینه کردن همکاری‌های امنیتی طولانی مدت بپردازند. باید اذعان داشت که منطقه خاورمیانه و غرب آسیا نقش اساسی در اقتصاد هند و آینده آن ایفا می‌کند.

در ماه مه ۲۰۱۹، حزب بی.جی.پی. در انتخابات هند برای دوره دوم پیروز شد. مودی به عنوان یکی از رهبران جدید هند که معتقد به تشبث به "سیاست قدرت" هستند، تلاش‌های خود را که تحت دولت‌های قبلی آغاز شده است، تقویت کرده است، همچنین دولت مودی در اجرای سیاست خود از وضعیت فعلی سیاست بین‌الملل در خاورمیانه بهره‌مند شده است.

1. Autonomy Stratedy
2. Bhaaratiya Janata Party (BJP)

انتظار می‌رود که مودی بعنوان بازیکن فعال‌تری در خاورمیانه بر خلاف انتظارات پس از انتخابات خود در سال ۲۰۱۴ ظاهر شود. پس از آن فرض بر این بود که وی بیشتر به سیاست‌های داخلی توجه می‌کند.

همچنین فرض بر این بود که سیاست خارجی وی، تا زمان تصدی پست نخست‌وزیری، سکولارتر از سیاست‌های قبلی بی‌جی پی و حزب کنگره باشد. این امر سبب می‌شود تا تمرکز سیاست خارجی هند بر تعمیق روابط با ایالات متحده تمرکز یابد و در عین حال سرمایه‌گذاری خارجی از کشورهایی مانند چین، ژاپن، سنگاپور و استرالیا را نیز به عنوان بخشی از سیاست "نگاه به شرق" دنبال کند (Hall, 2015: 248).

بر همین مبنا بررسی و مطالعه پیامدهای پیروزی مودی برای سیاست خارجی هند در غرب آسیا، به ویژه تعامل هند با ایران را با توجه به اتخاذ "سیاست نگرش به غرب"، مسئله و پرسش اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد. در پاسخ به این پرسش این مقاله بر این فرض است که رویکرد هند در قبال غرب آسیا مشخصاً تحت تأثیر سیاستهای خاورمیانه‌ای ایالات متحده قرار دارد و همین امر تعامل هند با ایران را با دشواریهای جدی مواجه خواهد نمود.

چارچوب نظری: نو واقع‌گرایی

سنت نظری نو واقع‌گرایی به عنوان یک مکتب متحول، الگوهای نظری و مدل‌های متفاوتی را ارائه نموده است که در آنها همچنان به اصول و مفروضه‌های شاکله واقع‌گرایی کلاسیک همچون کشور و دولت محوری، قدرت محوری، موازنه قوا، وضعیت آنارشی نظام بین‌الملل معتقد و وفادار است. اما بر خلاف واقع‌گرایی، این مکتب با حذف متغیرهای سطح واحد بر تأثیرات پایدار نظام بین‌الملل تأکید دارد و بر مفروضه‌هایی از جمله آنارشی بودن نظام بین‌الملل، اقتدار‌گریزی، بی‌اعتمادی دولتها به یکدیگر، تلاش برای کسب امنیت و افزایش قدرت تأکید دارد (میرشایمر، ۱۳۹۰: ۳۴-۳۵).

این سنت نظری با محوریت قرار دادن دولت به عنوان بازیگر اصلی صحنه بین‌الملل در واقع روایتی قدرتمند از واقع‌گرایی است که معتقد است وقتی نظام بین‌الملل اقتدار

گریز باشد کشمکش بر سر قدرت و امنیت ادامه خواهد داشت. در واقع مکتب فکری نو واقع‌گرایی عمیق‌ترین و دقیق‌ترین نقدها را بر پروژه‌های اصلاح طلبانه در سیاست بین‌الملل وارد ساخته است. از این رو جای تعجب نیست که این مکتب آماج حمله کسانی قرار بگیرد که چارچوب ذهنی و فکریشان انتقادی و اصلاح طلبانه است (محمد خانی، ۱۳۸۸: ۸۳-۸۵).

به اعتقاد رابرت جرویس "نظام" بدین مفهوم است که اولاً: واحدها با یکدیگر در ارتباط متقابل باشند و تغییر در برخی روابط آنها سبب تغییر در دیگر بخشها گردد. ثانیاً: کل نظام ویژگی‌ها و رفتارهایی را داراست که متفاوت از اجزایش می‌باشد. لذا نظام بین‌الملل دارای مشخصه روابط غیر خطی و پیامدهای ناخواسته است و حتی این نتایج متأثر از رفتار تک تک دولتها نیست، علاوه بر این میان آنچه خواست دولتها است و آنچه کسب می‌کنند شکاف وجود دارد. بنابراین سیاست بین‌الملل ماجرابی تراژیک است، نه اینکه رفتار دولتهای تجدید نظر طلب آن را به پیش برد(گریفیتس، ۱۳۸۵: ۵۰). بر همین مبنا، کنش بازیگران ضرورتاً ناشی از ساختار نظام بین‌الملل است. ساختاری که در آن هر واحد خود را در موقعیتی قرار خواهد داد تا قادر باشد از خود محافظت نماید زیرا دیگران چنین کاری برایش انجام نخواهند داد. لذا نظام بین‌الملل تنها از واحدهای همسان تشکیل شده است که هر دولت دارای مجموعه‌ای از عملکردهای مشابه همچون دفاع ملی، قوانین اقتصادی و ... است و تنها جنبه‌ای که دولتها را از یکدیگر متمایز می‌کند مولفه "قدرت" است که با قابلیت‌های دولتها در ارتباط است(جکسون و سورنسون، ۱۳۸۵: ۷۴).

بر همین اساس است که نوواقع‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری انگیزه "بقا" را محرک اصلی دولتها برای افزایش قدرت خود میداند، زیرا ساختار نظام بین‌المللی، آنارشیک است؛ بدین معنا که فاقد یک حکومت جهانی و یا یک اقتدار مرکزی مشروع است که از بقای دولتها در مواجهه با خطرات احتمالی بیرونی محافظت نماید بنابراین دولتها فقط با اتکاء به میزان قدرتی که دارند، میتوانند از امنیت خود دفاع کنند از این منظر، در ساختار آنارشیک نظام بین‌المللی، از آنجا که صرفاً قدرت، ضامن بقای دولتهاست؛ بنابراین آنها ناگزیر از افزایش قدرت خود هستند. در نتیجه در وضعیت آنارشی، دولتها توانایی

پیش‌بینی پیامدهای اقدامات خود و دیگران را ندارند و صرفاً انتخابهای خود را به نفع گزینه‌ای انجام می‌دهند که "بہتر" باشد. همانطور که میرشایمر هم بیان می‌کند دولتها از محیط خارجی خود اطلاع دارند و به شیوه‌ای راهبردی تأمل میکنند که چگونه در این محیط، بقا و تداوم خود را تضمین نمایند (Mearshimer, 2011: 125).

پیشینه پژوهش

اشتراکات فرهنگی، جغرافیایی سبب گردیده تا چگونگی تعامل و رابطه ایران و هند همواره مورد توجه محققین و اساتید حوزه آکادمیک و سیاستگذاران قرار داشته باشد. هریک از پژوهشهای صورت گرفته زوایا و ابعاد مختلف این تعامل را به لحاظ موضوعی و بازه زمانی مورد مذاقه قرار داده‌اند. از آنجایی که موضوع مقاله حاضر در مقیاس کل رویکرد هند به منطقه غرب آسیا و به ویژه کشورهای مذکور حائز اهمیت برای هند در بازه زمانی کاملاً به روز است لذا سعی می‌گردد تا چندی از پژوهشهای به روز با همین محوریت، البته با توجهی ویژه به موقعیت ایران در سیاست خارجی منطقه‌ای هند مورد بررسی قرار گیرند.

آشواریا سوجاتا در کتاب خود تحت عنوان "India-Iran Relations: Progress, Problems and Prospects" (۲۰۱۷) به بررسی رابطه هند-ایران پس از جنگ جهانی دوم و خواست مؤثر هند برای ایجاد رابطه‌ای سازنده با منطقه غرب آسیا به خصوص ایران به عنوان کشوری استراتژیک پرداخته است. نویسنده به طور مشخص به دستاوردها و محدودیتها بر سر راه رابطه هند-ایران و تأثیر مستقیم "آمریکا" به عنوان یک مولفه مؤثر و بازدارنده در این رابطه در حوزه‌های مختلف از جمله انرژی، سرمایه گذاریهای اقتصادی و امنیتی به ویژه پس از انتخاب نارندا مودی به عنوان نخست وزیر هند و اتخاذ رویکرد سیاست "نگرش به غرب" هند مطرح می‌کند. در کتاب آسیا (ویژه روابط ایران و هند) به اهتمام و تدوین حسین عسگریان (۱۳۹۶)، محسن شریعتی‌نیا با استناد به آثاری که در مؤسسات تحقیقاتی معتبر هند در مورد روابط با ایران و جایگاه ایران در سیاست خارجی این کشور به بررسی طیف دیدگاه‌هایی که در کشور هند در مورد مدیریت روابط با ایران وجود دارد، پرداخته است. وی معتقد است دو دسته از

متغیرها در شکل‌دهی به روابط هند و ایران از منظر این پژوهشگران حائز اهمیت است: دسته اول متغیرها، متغیرهای توسعه‌بخش و ظرفیت‌ساز در روابط دو کشور و دسته دوم متغیرها، متغیرهای محدودکننده روابط دو کشور. به نظر نویسنده جایگاه ایران در سیاست خارجی هند بیش از همه براساس نقش این کشور در تأمین امنیت انرژی، اقتصاد در حال رشد هند و در مراتب بعد گشودن راهی برای دسترسی این کشور به بازارهای آسیای مرکزی و روسیه تعریف شده است. افزون بر این نقش ایران در موازنه قدرت مطلوب هند در منطقه به‌ویژه در افغانستان نیز با اهمیت دیده شده است، اما در مقابل روابط هند و آمریکا و به تبع آن بحران هسته‌ای ایران، نقش بازیگران ثالث مثل اعضای شورای همکاری خلیج فارس و برخی تعارضات و رویکردهای متفاوت دو کشور مثل سیاست‌ها در قبال رژیم اسرائیل از جمله عوامل محدودساز روابط دو کشور محسوب می‌گردد. در این بین تسلط عمل‌گرایی در سیاست خارجی هند و نیز مکتوبات پژوهشگران هندی از دیگر سو باعث شده تا جملگی گسترش روزافزون روابط این کشور با آمریکا را رویکردی مناسب و در راستای توسعه این کشور تلقی کرده و کاهش روابط با ایران را مابه‌ازایی معقول در این روند تلقی کنند. در این میان به نظر نویسنده وضعیت مطلوب در سیاست خارجی هند توسعه روابط با هر دو کشور ایران و آمریکا است، اما از آنجا که پیگیری چنین هدفی تعارض‌آمیز است، کاهش سطح روابط با ایران در حد امکان، بر مبنای معادله هزینه - فایده در راستای مصلحت استراتژیک هند قرار دارد. آمیرتان شاوون در مقاله ای تحت عنوان "What are India, Iran, and Afghanistan's Benefits from the Chabahar Port Agreement?" (۲۰۱۷) به رقابت هند و چین برای تثبیت موقعیت خود در ایران به ویژه در بندر چابهار می‌پردازد. نویسنده این بندر را بندری استراتژیک به لحاظ قرار داشتن در کنار دریای عمان و تنگه هرمز و بسیار حائز اهمیت برای هند می‌داند. هند در کوتاه مدت از یکسو به دنبال بازسازی روابط خود با ایران در حوزه انرژی و نفت و از سوی دیگر بدنبال ایجاد یک مسیر تجاری همسان با پروژه اقتصادی یک کمربند یک راه و جاده ابریشم چین است. هر چند نویسنده معتقد است آمریکا عاملی بسیار تأثیرگذار در تداوم این رابطه است. محمد زارع در مقاله‌ای تحت عنوان "کانون جدید رقابتهای استراتژیک" (۲۰۱۷) معتقد

است که تغییر و تعمیق رقابتها میان کشورهای قدرتمند منطقه در جنوب و غرب آسیا و تغییر نگرش ایالات متحده به هند و قرار گرفتن این کشور در زنجیره استراتژی چرخش آمریکا به سوی آسیا سبب شده تا هند سیاست "نگرش به غرب" خود را فعالانه‌تر پیگیری نماید. همین امر سبب شده تا هند به تدریج از سیاست سنتی خود فاصله گرفته و تلاش نماید تا ضمن باز تعریف جهت سیاست خارجی و امنیتی خود به سوی غرب به خصوص در رقابت با چین، حضور و نفوذ خود در غرب و جنوب آسیا را تقویت نماید.

هند و خاورمیانه پیش از مودی

سیاست خارجی هند در سالهای جنگ سرد و استقرار نظم دو قطبی، از اصول جنبش عدم تعهد (۱۹۵۹) که نخست وزیر جواهر لعل نهرو بنیانگذار آن بود، پیروی می‌کرد. بنابراین، ارزشهای حاکم بر کشورهای عضو جنبش عدم تعهد مبتنی بر برسمیت شناختن مولفه‌هایی همچون حاکمیت، تمامیت ارضی و عدم دخالت در سیاست داخلی و عدم پیروی از سیاستهای مسکو و واشنگتن بود مؤلفه‌های اساسی در سیاست سیاست خارجی هند بود. سیاست خارجی هند نیز بر همین مبنا در غرب آسیا، در اتحاد نهرو-ناصر منعکس شد و لذا هند از اعراب در برابر مداخلات غربی‌ها به ویژه در موارد فلسطین و بحران سوئز در سال ۱۹۵۶ حمایت کرد.

این سیاست تا سال ۱۹۹۱، که جنگ سرد رسماً با انحلال اتحاد جماهیر شوروی به پایان رسید، ادامه داشت. نسخه نئو لیبرالیسم تحت حمایت ایالات متحده بعنوان شکل نهایی یا تکاملی حاکمیت جهانی ظاهر شد. برتری جهانی لیبرالیسم سبب شد تا هند که پیشتر از سیاست خارجی متفاوتی پیروی می‌کرد از انعطاف و گزینه‌های کمتری در اتخاذ سیاست به روز نسبت به جهان از جمله غرب آسیا برخوردار باشد. نمونه این مسئله را می‌توان در بحران خلیج فارس به وضوح مشاهده نمود؛ هنگامیکه در ۲ آگوست ۱۹۹۰ نیروهای عراقی به دستور رئیس جمهور صدام حسین به کویت، این کشور تولید کننده نفت حمله کردند و دولت ائتلاف سینگ با تهدیدی جدی برای منافع

ژئوپلیتیکی خود روبرو شد. و نتوانست موضع رسمی در توافق یا مخالفت با اجماع بین‌المللی علیه عراق اعلام نماید.

دلیل عمده عدم اتخاذ موضع رسمی هند در قبال بحران خلیج فارس این بود که عراق، یک کشور سکولار و عضو عدم تعهد در میان پادشاهی‌های حوزه خلیج فارس، به دلایل ایدئولوژیکی متحد هند بود. عراق، همچنین یکی از معدود کشورهای خاورمیانه بود که از ادعاهای هند در مورد کشمیر حمایت کرد. حمله عراق به کویت، هند را با یک معضل جدی در عرصه سیاست مواجه ساخت - آیا به موضع سستی خود به عنوان یک قدرت عدم تعهد پایبند می‌ماند و در برابر مداخله غربی‌ها در منازعه موضع می‌گرفت؟ یا آیا با در نظر گرفتن فرصت‌های اقتصادی جدید و نظم جهانی در حال تغییر مبتنی بر اصول لیبرالیسم و بازار آزاد، می‌بایست در کنار کشورهای حوزه خلیج فارس باشد و به سیاست‌های ایالات متحده بپیوندد؟ هند مجبور شد با واقعیت‌های دنیای نئولیبرالی روبرو شود و بپذیرد که در آن منافع اقتصادی با هزینه‌های سیاسی بدست می‌آید (Jaishankar: 2018).

الگوی توسعه دولتی هند نیز در معرض خواسته‌های بازار و جهانی‌سازی قرار گرفت و اکنون شکل اصلی سازمان اقتصادی هند است. نیاز هند به توسعه اقتصادی باعث شده است که خاورمیانه به طور فزاینده‌ای برای هند، هم از جهت منبع واردات سوخت و هم به عنوان بازار و پذیرنده نیروی کار درآمدزا اهمیت یابد (Siyech, 2019).

عربستان سعودی، ایران و قطر همگی تامین کنندگان اصلی و حیاتی هیدروکربن‌ها برای هند بوده‌اند. از زمان رونق بازاریافت در اواسط دهه ۱۹۷۰، تعداد هندی‌هایی که در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از جمله عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین، عمان و امارات متحده عربی زندگی و کار می‌کنند، به سرعت افزایش یافته است. اکثر این هندیها از ایالت‌های جنوبی مانند آندرا پرادش، تامیل نادو و کرالا هستند این در حالی است که برخی در مشاغل یقه سفید کار پیدا می‌کردند، هرچند که اکثریت هندیها (۷۰٪) در بخش‌های کم دستمزد و کم مهارت مانند ساخت و ساز فعالیت می‌کنند. (Abraham, 2012: 138-140). در پاسخ به رشد روزافزون پراکندگی جمعیت هندیان، دولت در سال ۲۰۰۴ اداره امور هندیان خارج از کشور را تأسیس کرد. در

کشورهای حاشیه خلیج فارس، تعداد هندی‌ها در سال ۲۰۱۲ حدود ۵,۷ میلیون نفر تخمین زده شد که تا سال ۲۰۱۸ به ۸,۵ میلیون نفر رسیده است (Rajan, Kumar, 2019).

بسیاری از هندی‌های مستقر در کشورهای حوزه خلیج فارس نه تنها سهم قابل ملاحظه‌ای در امور مالی کشور از طریق ارسال و انتقال درآمدهای خود به هند داشته‌اند بلکه سهم قابل توجهی از حواله‌های جهانی را هم به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس آمار این میزان این حواله‌ها در فاصله سالهای ۲۰۱۲-۲۰۱۸ از ۶۴ میلیارد دلار به ۷۹ میلیارد دلار رسیده است (Abraham, 2018:140). با گذشت زمان، رهبران سیاسی و تجاری هند دریافتند که کشورهایی مانند عربستان سعودی و قطر بیشتر از نفت و گاز می‌توانند منافع هند را تأمین نمایند؛ ثروتی که آنها و امارات جمع کرده بودند آنها را به منابع بالقوه سرمایه‌گذاری خارجی تبدیل کرده بود (Choudhury, 2017:2). شاید وجود چنین منافعی سبب شد تا دولت مانموهان سینگ استراتژی سکوت نسبی و مخالفت با هرگونه مداخله خارجی نسبت به قیام‌های عرب در سال ۲۰۱۱ را اتخاذ نماید (Kumaraswamy, 2012).

به عنوان عضو موقت شورای امنیت سازمان ملل، هند از رأی دادن بر اعمال منطقه پرواز ممنوع بر لیبی خودداری کرد، هر چند که هند کاملاً آگاه بود این تصمیم تنها علیه رژیم قذافی صورت گرفته است. تردید و دودلی هند در مورد سوریه نیز کاملاً آشکار بود. با شروع قیام در سوریه و آغاز جنگ داخلی، دولت سینگ به پیگیری سیاست تعادل خود ادامه داد و هر چند به تحریم‌ها علیه سوریه رای داد اما همچنین با هرگونه تلاش برای تغییر رژیم مخالفت کرد (Pant, 2014:162-163).

مودی و سیاست نگاه به غرب

سیاست خاورمیانه‌ای هند تا زمان انتخاب مودی در سال ۲۰۱۴ عمدتاً مناسب و به جا بوده است و پارامترهای گسترده‌ای را در بر می‌گرفت. دولت جدید به جای اینکه

مسیری متفاوت را طی کند، همان مسیر پیشین را طی می‌کند، اما با تمرکز بر استراتژی "نگاه به غرب" و سه محور اصلی: کشورهای عربی خلیج فارس، اسرائیل و ایران.

همانطور که در بالا ذکر شد، روابط هند با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از دهه ۱۹۷۰ دستخوش تغییر و گسترش شده بود. این در حالی است که روابط هند با اسرائیل و ایران عمدتاً از دهه ۱۹۹۰ پدید آمده است. در مورد اسرائیل، روابط هند از نظر تاریخی حسنه بوده است هر چند در طول جنگ سرد، هندوستان در کنار کشورهای عربی و در حمایت از مبارزات ناسیونالیستی فلسطین به طور علنی ایستاده بود. البته در این موضع هندوستان ملاحظات داخلی بسیار مهم بود. هندوستان نیاز به حمایت کشورهای عربی - یا حداقل عدم انتقاد و بی طرفی - آنها نسبت به مسئله اکثریت مسلمان جامو و کشمیر و تلاش برای آرام کردن آنها داشت (Ward, 2011).

با گذشت زمان، هر دو این ملاحظات اهمیت کمتری پیدا کردند. گفتگوهای اعراب و اسرائیلی‌ها در طول دهه ۱۹۹۰ و روند صلح اسلو بین اسرائیل و فلسطینی‌ها از مرکزیت درگیری در منطقه و در میان مسلمانان هند کاسته است. علاوه بر این، هند مجبور شد با انتقادات فزاینده علیه حاکمیت هندوستان بر جامو و کشمیر از سازمان همکاری اسلامی^۲، که شامل تعدادی از کشورهای عربی مسلمان بود، مقابله کند (Kherton, 2018:48). در مقابل، اسرائیل در مسئله کشمیر همدردی بیشتری با هند نشان داد. به خصوص هنگامی که ایالات متحده به علت بحران کارگیل^۳ در سال ۱۹۹۹ هند را به تحریم تسلیحاتی تهدید کرد، اسرائیل با اقدامی متهورانه خود تأمین کننده اصلی تسلیحات به هند شد: از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ تجارت اسلحه با هند و اسرائیل بیش از ۲,۲ میلیارد دلار ارزش داشت (Burton, 2018).

اسرائیل حتی فراتر از تجارت اسلحه پیش رفت و به عنوان یکی از اقتصادی‌ترین و پیشرفته‌ترین اقتصادهای خاورمیانه، به تجارت و سرمایه‌گذاری با ارزش افزوده بیشتری با هند پرداخت. در ژوئیه سال ۲۰۱۷ مودی اولین نخست وزیر هند بود که به اسرائیل سفر کرد. در طول این بازدید، مودی و نخست وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو

1. Look West Policy
2. Organization of Islamic cooperation
3. Kargil Crisis

توافق‌نامه‌هایی را در مورد توسعه همکاریهای بین‌المللی، کشاورزی و فضایی به امضا رساندند (Keinon, 2017).

این دیدار سبب کاهش جایگاه و تأثیر فلسطینی‌ها در سیاست خارجی هند شد و البته این امر با از سرگیری روابط میان کشورهای حاشیه خلیج فارس با اسرائیل به میزبانی عمان و امارات متحده عربی در اواخر سال ۲۰۱۸ بازتابهای گسترده‌ای داشته است و البته شرایط را پیچیده‌تر نموده است (Kumaraswamy, 2019).

روابط هند و ایران نیز مانند اسرائیل دارای ابعاد امنیتی و اقتصادی است. سیاست گذاران هندی روابط را با ایران نه تنها به عنوان منبع اصلی انرژی، بلکه به عنوان راهی برای کمک به تقویت امنیت هند در آسیای میانه و جنوبی، با مهار رقیب اصلی هند، پاکستان، می‌بینند، ضمن اینکه برای حضور منطقه‌ای در حال افزایش چین نیز یک متوازن کننده است. ایران و هند هر دو به یکاندازه دغدغه پاکستان را دارند و تنها راه مهار کردن پاکستان که به پایگاهی برای گروه‌های شبه نظامی تبدیل شده است همانا افغانستان می‌دانند (Al Jazeera, June 10, 2019). هند و ایران برای اولین بار با همکاری در زمینه توسعه ارتباطات تجاری و حمل و نقل از طریق آسیای میانه و انتقال آنها به سمت بندر چابهار ایران در اقیانوس هند در سال ۲۰۰۳ به توافق رسیدند (Ashwarya, 2017:965).

اما یک دهه دیگر طول کشید تا دو طرف در سال ۲۰۱۶ توانستند با افغانستان به توافق برسند. توسعه بندر چابهار و زیرساختهای مرتبط با آن از دو جهت برای هند سودمند و حائز اهمیت است. اولاً آنکه دسترسی به واردات نفت از ایران را آسان تر می‌کند. دیگر اینکه، این توافق می‌تواند پروژه‌های تجاری و توسعه چین در آسیای میانه و خاورمیانه را که با ابتکار یک کمربند- یک راه آن همراه است، متعادل و متوازن کند. در واقع، چابهار جایگزینی است برای تلاش‌های چین برای گسترش نفوذ در منطقه، که از آن جمله می‌توان به تلاش‌هایش برای توسعه بندر گوادر، در سمت مرز پاکستان اشاره نمود (Amirthan, 2017:90).

1. One- Belt, One- Road Initiative
2. port of Gwadar

محدودیت‌های احتمالی سیاست "نگاه به غرب" هند

با وجود تلاش‌های مودی برای داشتن روابط حسنه با کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، اسرائیل و ایران و علی‌رغم اهمیت استراتژیکی که هر یک از این کشورها برای هند دارند و فرصتهایی که پیشروی این کشور قرار می‌دهند اما هر یک چالش‌های بالقوه‌ای نیز ارائه می‌دهند.

اولاً، هر چند این احتمال وجود دارد که روابط حسنه اسرائیل با جهان عرب ادامه یابد، اما اگر یک انتفاضه دیگر یا خیزشی عمومی در حمایت از فلسطینی‌ها توسط اعراب به خصوص در مسئله اخیر به تعبیر ترامپ "معامله قرن" صورت گیرد می‌تواند به رژیم‌های حوزه خلیج فارس فشار آورد تا روابط فعلی آنها با اسرائیل را معکوس کند. در صورت بروز چنین اتفاقی، هند با توجه به نزدیکی فزاینده خود با اسرائیل، می‌تواند موقعیت خود را در معرض خطر ببیند (Rahman, 2019).

ثانیاً، توافقات هند با ایران در مورد چابهار بعید است که بتواند به طور جدی همکاری میان پاکستان و چین تحت تأثیر قرار داده یا حتی از بین ببرد، چرا که تلاش‌های هند در آسیای میانه و خاورمیانه، در مقایسه با تلاش‌های چین از جمله ابتکار یک کمربند - یک راه از قوت و تأثیر چندانی برخوردار نیست. در تأیید این ادعا، برخی برآوردها است که حاکی از آن است که چین تاکنون به تنهایی حدود ۶۸ میلیارد دلار برای کریدور اقتصادی چین و پاکستان^۱ و تقریباً ۲۰۰ میلیارد دلار برای سایر پروژه‌های دیگر تاکنون هزینه کرده است (Chatzky, McBride, 2019).

دیگر آنکه، اگر ایران و پاکستان بتوانند بر اختلافات فی‌مابین غلبه کنند تا همکاری کنند و بنادر خود را مطابق آنچه ادعا کرده‌اند پیوند دهند، بلند پروازیها و برنامه‌های هند با ایران می‌تواند در حد توافق باقی بماند. از سوی دیگر، قدرتهای دیگری مانند ایالات متحده، می‌تواند مانعی برای تلاش‌های هند باشد. همانطور که توافق هند و ایران در مورد چابهار بارها به تعویق افتاده است، که بخشی از آن به دلیل تحریم‌های آمریکا علیه ایران بوده است (Mohan, 2015).

هر چند هند از برجام، (برنامه جامع اقدام مشترک) استقبال کرد و ابراز امیدواری کرد که این توافق بتواند زمینه افزایش تجارت و همکاری با ایران باشد؛ اما با خروج یک جانبه ایالات متحده در ماه مه ۲۰۱۸ و اعمال دوباره تحریم‌ها، هند به عنوان یکی از بزرگترین خریداران نفت ایران با مشکلات جدی مواجه شد، هر چند هند از جمله کشورهایی بود که تا ماه مه ۲۰۱۹ از معافیت برخوردار بود. از زمان توقیف یک کشتی با پرچم انگلیس در ۱۹ ژوئیه که خدمه آن عمدتاً هندی بودند (Erlanger, 2019) هند با سومین چالش خود در خاورمیانه مواجه شد: آسیب‌پذیری شهروندان آن و منافع اقتصادی (Chand, 2019). همین امر سبب شد تا هند دو هواپیمای جنگی و نظارتی برای محافظت از حمل و نقل دریایی خود به خلیج فارس اعزام نموده است، هر چند که این به مفهوم پیوستن به ائتلاف تحت رهبری آمریکا که در خلیج فارس تشکیل می‌شود نخواهد بود (Miglani, 2019).

نتیجه‌گیری

اگرچه سیاست‌گذاران هندی به طور واضح بر چالش‌ها و اولویت‌های داخلی متمرکز هستند، اما با این حال به نظر می‌رسد مصمم هستند موقعیت هند را در سطح بین‌المللی بیش از پیش ارتقاء دهند در همین راستا نخست وزیر نارندرا مودی در فوریه ۲۰۱۵ خطاب به روسای هیئتهای نمایندگی هند، از آنها خواست تا افکار قدیمی خود را دور ریخته و "کمک کنند هند در جایگاه مناسب جهانی، نه فقط به عنوان یک نیروی متعادل کننده، بلکه به عنوان یک قدرت پیشرو قرار گیرد." هرچند، امروز هند سومین اقتصاد بزرگ جهان از نظر قدرت خرید سرانه (PPP) است اما چشم انداز این کشور همچنان در مسیر پیشرفت و سعادت و تبدیل شدن به "قدرت پیشرو" با چالش‌های بزرگی روبرو است. کاهش فقر و گرسنگی، و مقابله با پاکستان دو مشکل اساسی است. علاوه بر این، سیاست خارجی هند هنوز به طور قاطع از شکاف‌های نهرویی خود فاصله نگرفته است. با این حال، دستاوردهای هند در حوزه‌های اقتصادی و نظامی چشمگیر

است. و دیپلماسی هند تحت دولت مودی، مسلماً عمل‌گراتر، فعال‌تر و با اعتماد به نفس‌تر از همیشه بوده است.

از نظر سیاسی، دهلی نوعی رغم اتخاذ "استراتژی خودمختاری" در سیاست خارجی خود همچنان منتظر پیامدهای تحولات منطقه است، خواه در مورد خیزش‌های عرب یا برنامه هسته‌ای ایران و حتی همکاری‌ها در بندر چابهار، حتی اگر در تلاش برای گسترش و به حداکثر رساندن فرصت‌های اقتصادی باشد، سیاست‌های وابسته به سیاست‌های ایالات متحده در منطقه به خصوص نسبت به ایران است. لذا به نظر می‌رسد "سیاست نگاه به غرب" هند در عرصه سیاست حاضر بین‌الملل عملی‌تر و امکان‌پذیرتر است و رویکرد هند نسبت به غرب آسیا به خصوص ایران و نحوه تعاملش با هند را مستقیماً تحت تأثیر قرار می‌دهد، هر چند نمی‌توان پاسخ قاطعی داد تا چه مدت دیگر این سیاست قابل اجرا است.

۲۱۹

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

تحولات قدرت
جهانی، هند و
رویکرد آن به غرب
آسیا

منابع

- جکسون، رابرت و سورنسون، گئورگ. (۱۳۸۵). *درآمدی بر روابط بین‌الملل*، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده و حسن سعید کلامی، تهران: نشر میزان.
- گریفیتس، مارتینا. (۱۳۹۱). *نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست و یکم*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- محمد خانی، علیرضا. (۱۳۸۸). «تبیین رویکرد نو واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۰۰-۸۳.
- میرشایمر، جان (۱۳۹۰). *تراژدی سیاست قدرتهای بزرگ*، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، چاپ سوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

Abraham, "India and its Diaspora in the Arab Gulf Countries"; "India highest recipient of remittances at \$79 bn in 2018: World Bank," **Economic Times**, April 9, 2019, <https://economictimes.indiatimes.com/nri/forex-and-remittance/india-highest-recipient-of-remittances-at-79-bn-in-2018-world-bank/articleshow/68788815.cms?from=mdr>.

- Abraham, Rhea, "India and its Diaspora in the Arab Gulf Countries: Tapping into Effective 'Soft Power' and Related Public Diplomacy," **Diaspora Studies** 5, 2 (2012): 124-146.
- Ashwarya, Sujata, *India-Iran Relations: Progress, Problems and Prospects* (London: Routledge, 2017); Meena Singh Roy, "Iran: India's Gateway to Central Asia," **Strategic Analysis** 36, 6 (2012): 957-975.
- Amirthan, Shawn, "What are India, Iran, and Afghanistan's Benefits from the Chabahar Port Agreement?" **Strategic Analysis** 41, 1 (2017): 87-93.
- Burton, Guy, **Rising Powers and the Arab-Israeli Conflict since 1947** (Lanham: Lexington, 2018): 126; Rajendra Abhyankar, "The Evolution and Future of India-Israel Relations," Daniel Abraham Center for International and Regional Studies Research Paper 6 (March 2012), <https://www.tau.ac.il/humanities/abraham/india-israel.pdf>.
- Choudhury, Primit Pal, "When India began to take the East seriously," **Hindustan Times**, June 3, 2018, <https://www.hindustantimes.com/india-news/when-india-began-to-take-the-east-seriously/story-q5gxZj7n0JVUM0nMHRO8DO.html>.
- Primit Pal Choudhury, "Think West to Go West: Origins and Implications of India's West Asia Policy under Modi (Part 1)," Middle East Institute, September 26, 2017, <https://www.mei.edu/publications/think-west-go-west-origins-and-implications-indias-west-asia-policy-under-modi-part-i>.
- Chatzky, Andrew and James McBride, "China's Massive Belt and Road Initiative," Council on Foreign Relations Backgrounder, May 21, 2019, <https://www.cfr.org/backgrounder/chinas-massive-belt-and-road-initiative>.
- Chand, Nandika, "Indian Crew From Detained British Tanker Stena Impero Given Consular Access By Iran," **International Business Times**, July 26, 2019, <https://www.ibtimes.com/indian-crew-detained-british-tanker-stena-impero-given-consular-access-iran-2808901>.
- Erlanger, Steven, "Iran Links British Seizure of Oil Tanker to Ailing Nuclear Deal," **New York Times**, July 28, 2019, <https://www.nytimes.com/2019/07/28/world/europe/iran-tanker-britain-nuclear.html>.
- Hall, Ian, "Is a 'Modi doctrine' emerging in Indian foreign policy?" **Australian Journal of International Affairs** 69, 3 (2015): 247-252.

- IrudayaRajan,S. , V.J. Varghese, and M.S. Jayakumar, **Dreaming Mobility and Buying Vulnerability: Overseas Recruitment Practices in India** (London: Routledge, 2011); Government of India, Ministry of External Affairs, “Population of Overseas Indians” (Compiled in December 2018), http://mea.gov.in/images/attach/NRIs-and-PIOs_1.pdf.
- “ISIL expands its reach in Afghanistan, threatening the West,” **Al Jazeera**, June 10, 2019, <https://www.aljazeera.com/news/2019/06/isil-expands-reach-afghanistan-threatening-west-190610062113025.html>.
- Ministry of Foreign Affairs, Government of India, “IISS Fullerton Lecture by Dr. S. Jaishankar, Foreign Secretary in Singapore,” July 20, 2015, accessed January 8, 2016, http://mea.gov.in/Speeches-Statements.htm?dtl/25493/IISS_Fullerton_Lect...
- Khetran,Mir Sherbaz , “Gwadar and Chabahar: Competition or Cooperation,” **Strategic Studies** (Islamabad) 38, 2 (2018): 43-55, <http://www.issi.org.pk/gwadar-and-chabahar-competition-or-cooperation/>.
- Kumaraswamy,P.R. , “India’s New Israel Policy,” **SWP Comment** 11 (Berlin: German Institute for International and Security Affairs, 2019), https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/comments/2019C11_kumaraswamy.pdf.
- P.R. Kumaraswamy, **Reading the Silence: India and the Arab Spring** (Jerusalem: Hebrew University,2012), https://en.davis.huji.ac.il/sites/default/files/davisinsten/files/Reading_the_silence.pdf.
20. Keinon,Herb , “Israeli-Indian Statement Ignores Two-State Solution,” **Jerusalem Post**, July 6, 2017, <https://www.jpost.com/Israel-News/Modis-Visit/Israeli-Indian-statement-ignores-two-state-solution-498891>.
21. Sanjeev Miglani, “Indian warships to stay longer in Persian Gulf, but won’t join U.S. coalition,” **Reuters**, July 18, 2019, <https://www.reuters.com/article/us-mideast-iran-india/indian-warships-to-stay-longer-in-persian-gulf-but-wont-join-us-coalition-idUSKCN1UD22S>.
22. Mearsheimer, John (2011). Realists as Idealists, *Security Studies*, 20(3), 424-430.
- Mohan, C. Rajan ,“India and the Balance of Power,” *Foreign Affairs* (July/August 2006)
- Mohan,C. Raja, “From Looking East to Acting East,” January 29, 2015, Government of India, Ministry of External Affairs,

- <https://www.mea.gov.in/in-focus/article.htm?24714/From+Looking+East+to+Acting+East>, Prमित Pal Choudhury, "When India began to take the East seriously," **Hindustan Times**, June 3, 2018, <https://www.hindustantimes.com/india-news/when-india-began-to-take-the-east-seriously/story-q5gxZj7n0JVUM0nMHRO8DO.html>
- Pant, Harsh, "India and the Middle East: Before and After the Arab Spring," in Robert Mason (ed.), **The International Politics of the Arab Spring** (London: Springer, 2014): 155-175.
- Rahman, Omar, "What's behind the relationship between Israel and Arab Gulf states?" Brookings Institution, January 28, 2019, <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2019/01/28/whats-behind-the-relationship-between-israel-and-arab-gulf-states/>.
- Press Information Bureau, Government of India, Prime Minister's Office, "PM to Heads of Indian Missions," February 5, 2015, accessed January 8, 2016, <http://pib.nic.in/newsite/PrintRelease.aspx?relid=115241>.
- Siyech, "India-Qatar Relations"; Naser Al-Tamimi, "The Gulf Crisis: Why is India still neutral?" **Arab News**, July 29, 2017, <http://www.arabnews.com/node/1136101/columns>.
- "Trade war: India and USA must address issues as early as possible, says Indian envoy," **The Hindu**, July 17, 2019, <https://www.thehindubusinessline.com/news/trade-war-india-and-usa-must-address-issues-as-early-as-possible-says-indian-envoy/article28506643.ece>.
- Ward, Richard, **West Asia In Indian Foreign Policy**. Phd Dissertation, University of Cincinnati, 1970. India's Muslim population was around 34 million or 10% at independence in 1947. By the time of the 2011 census it had risen to 177 million or 14% of the population.
- Aariz Mohammed, "Demographic Dividend and Indian Muslims – i," **Milli Gazette**, June 4, 2013, <http://www.milligazette.com/news/6953-demographic-dividend-and-indian-muslims-i>; "Religion Census 2011," <http://www.census2011.co.in/religion.php>.
- Tellis, Ashley J. , "india as a Leading Power," Carnegie Endowment for International Peace, April 4, 2016, accessed January 8, 2016, <http://carnegieendowment.org/2016/04/04/india-as-leading-power-pub-63185>.